

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۰

بازنمایی تفاوت‌های نگرش در برنامه‌ریزی شهری کشورهای در حال توسعه در قالب تطبیق نظامات هندوستان و ایران

طیبه اکبری^۱، علیرضا بندرآباد^۲

چکیده

برای شناخت نظام برنامه‌ریزی فضایی کشورها باید ابتدا به شناخت نظام برنامه‌ریزی و توسعه آن‌ها پرداخت و سپس تجربه‌های آن کشورها را در نظام برنامه‌ریزی فضایی و مقایسه آن با وضعیت کنونی کشور مبدأ در نظر گرفت. نظام برنامه‌ریزی فضایی کشور ایران در زمینه طرح‌های توسعه شهری عملکرد چندان موفق نداشته و با ضعف‌هایی روبرو بوده است. برای برون رفت از این مشکلات بهره‌گیری از تجارب موفق جهانی می‌تواند راهکار مناسبی را ارائه دهد. کشور هندوستان به دلیل پیش‌رو بودن در نظام برنامه‌ریزی فضایی و عملکرد موفق در برنامه‌های توسعه شهری و به‌کارگیری مشارکت فعال مردمی در این پژوهش به عنوان تجربه‌ای موفق مورد مطالعه قرار گرفته است. در این قیاس تطبیقی، دو نوع شناخت پایه (وضعیت عمومی، جغرافیایی، اقتصادی و تقسیمات درون سرزمینی) و ویژه (نظام برنامه‌ریزی کلان و نظام برنامه‌ریزی فضایی) در مورد دو کشور ایران و هندوستان به دست آمد. روش تحقیق در این پژوهش کیفی و از نوع قیاسی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی است. براساس یافته‌ها، رویکرد و مکانیزم برنامه‌ریزی فضایی در کشور هندوستان پیش‌روتر است و به سمت مشارکت فراگیر در حرکت است اما در ایران این حرکت به کندی صورت می‌گیرد. برنامه‌ریزی در هر دو کشور در مقیاس‌های متعدد انجام می‌شود. نظام اجرا و نظارت کشور هندوستان از سیستم کنترل و نظارت جدی بر کاربری زمین برخوردار است و در زمینه ضوابط توسعه و عمران و ساخت و ساز دارای قوانین محکمی است اما در کشور ایران وضعیت اجرایی برنامه‌ها در حد متوسط و نظارت به خوبی انجام نمی‌شود. فرآیند برنامه‌ریزی در کشور هندوستان ابتدا از بالا به پایین و سپس از پایین به بالا صورت می‌گیرد اما در ایران فرآیند برنامه‌ریزی بالا به پایین است. در نهایت می‌توان چنین استنباط نمود که نظام برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی فضایی کشور هندوستان در بسیاری از موارد از کشور ایران پیش‌روتر است و متولیان امر برنامه‌ریزان باید نکات برجسته‌ی طرح و برنامه‌های کشور هندوستان و نحوه اجرایی شدن آنها را مورد توجه قرار دهد.

واژگان کلیدی: برنامه‌ریزی، برنامه‌ریزی فضایی، هندوستان، ایران.

^۱. دانشجوی دکترای شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. پست الکترونیک: tayebehakbari34@yahoo.com

^۲. دانشیار گروه شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

در اوایل دهه ۱۹۰۰ اکثر کشورهای جهان نخستین قوانین برنامه‌ریزی فضایی خود را در واکنش به فشارهای روز افزونی که در امر توسعه و معضلات ناشی از نابسامانی‌ها و پیچیدگی‌هایی که این امر به وجود آورده بود، وضع نمودند و این برنامه‌ها به تدریج با گذشت زمان تکامل یافتند. در کشور ایران، تصویرچندان روشنی از حوزه عمل و فرآیند تهیه و تحقق‌پذیری و نیز جایگاه قانونی طرح‌های شهری وجود ندارد (صفوی، ۱۳۹۴). فقدان نظریه هدایت‌کننده یکی از علل اصلی اظهارنظرهای مکرر از زبان متخصصان بخش‌های مختلف اقتصاد ملی و به ویژه بخش‌های مربوط به شهر و نظام شهری در رابطه به عدم موفقیت برنامه‌های توسعه شهری است. بنابراین ریشه همه مشکلات توسعه در ایران را باید در مدیریت متمرکز دولتی، برنامه‌ریزی از بالا و بی‌توجهی به نقش گروه‌های ذی‌نفع بویژه شهروندان در فرآیند برنامه‌ریزی توسعه دانست. اتخاذ رویکرد مناسب در فرآیند برنامه‌ریزی توسعه، جهت کاهش ابهامات و کج‌فهمی‌ها و ایجاد درک و فهم مشترک و هم‌چنین تدوین سیستماتیک دانش برنامه‌ریزی در کشور و به‌ویژه زمینه‌سازی و ایجاد شرایط مشارکت مردم در فرآیند برنامه‌ریزی توسعه ضروری است (Biswas, 2016).

برای برون رفت از این مشکلات بررسی پیشینه‌ی نظام‌های برنامه‌ریزی کشورهای جهان به منظور قیاس و تطبیق وضعیت و بهره‌گیری از نتایج و عملکردهای مثبت حاصله و پرهیز از راه‌هایی که نادرست طی کرده‌اند ضروری و اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. در ادبیات حوزه‌ی نظام برنامه‌ریزی فضایی کشور، بیشتر بررسی‌ها به ممالک پیشرفته مربوط بوده و بنابراین، این بحث از اهمیت و اولویت خاصی برخوردار است. در زمان تدوین سند چشم‌انداز کشور، سازمان مدیریت و برخی نهادهای دیگر چند گزارش و مقاله‌ی آماری تحلیلی از کشورهای هم‌رده منتشر کردند که در آنها، بیشتر به نظام کلان توسعه و بیانیه‌ی چشم‌انداز کشورها توجه شده است و کمتر به نظام برنامه‌ریزی فضایی پرداخته شده است. شناخت و ارزیابی «نظام برنامه‌ریزی فضایی» کشورها بدون شناخت «نظام برنامه‌ریزی و توسعه‌ی آنها» به سرانجام مقصود نمی‌رسد. از این‌رو برای قیاس وضعیت برنامه‌ریزی فضایی ایران (با هدف زمینه‌سازی برای کاربست تجارب سایر کشورهای همگن) با سایر کشورهای دنیا، ابتدا تعیین و شناسایی کشورهای هدف و سپس شناخت برنامه‌ریزی ملی آن کشورها لازم است. در مطالعه‌ی تجارب کشور هندوستان در این مقاله، براساس مفهوم ساده‌ی اقتصاد سیاسی (فضا پدیده‌ای قابل تولید و دارای ماهیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است)، عامدانه از تجارب کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته‌ی صنعتی استفاده نشده است؛ زیرا براساس رویکرد اقتصاد سیاسی، کشورهای مشابه و یا قدری پیشرفته‌تر از ایران، به مراتب بهتر می‌توانند راهبردهای توسعه‌ی سرزمینشان را در اختیار بگذارند. با توجه به ماهیت تطبیقی ارزیابی کشورها با یکدیگر، در این مقاله باید در چارچوب مبانی ارزیابی تطبیقی نظام برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی فضایی، مؤلفه‌های مناسب دارای قابلیت قیاس تبیین شود. از این‌رو در این مطالعه اهداف ذیل دنبال شده است:

- بررسی ویژگی‌های نظام‌های برنامه‌ریزی ایران و هندوستان

- بررسی جایگاه مردم در نظام برنامه‌ریزی هر دو کشور

- راهکارهای مبتنی بر مقایسه تطبیقی این دو نظام برای حل چالش‌های نظام برنامه‌ریزی ایران

روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش کیفی و از نوع قیاسی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی است. در این پژوهش ویژگی‌های نظام برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی فضایی دو کشور ایران و هندوستان بیان شده است. مجموع مقایسه‌های

تطبیقی و زمینه‌های مؤثر بر این نظام‌ها در قالب دو نوع شناخت پایه (وضعیت عمومی، جغرافیایی، اقتصادی و تقسیمات درون سرزمینی) و ویژه (نظام برنامه‌ریزی کلان و نظام برنامه‌ریزی فضایی) انجام شده است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

الف- نظام برنامه‌ریزی

فیروز توفیق در کتاب برنامه‌ریزی در ایران و چشم‌انداز آینده آن، به نقل از متفکر معروف راسل اکاف در سال ۱۹۷۰، متعارف‌ترین و نزدیک‌ترین تعریف از برنامه‌ریزی را که برای کشورهای درحال توسعه کاربرد دارد، به شرح زیر نقل کرده است: «برنامه‌ریزی تصور آینده‌ی دلخواه و راه‌های عملی دست یافتن به آن است» (توفیق، ۱۳۸۶).

ب- برنامه‌ریزی فضایی

بحث‌های فراوانی در مورد تعریف واژه‌ی برنامه‌ریزی فضایی وجود دارد؛ اما یکی از مهم‌ترین و دربرگیرنده‌ترین آنها تعریف فالودی است. پتسی هلی به نقل از فالودی معتقد است که این واژه میان زبان‌های اروپایی به‌درستی ترجمه نشده است (Healy, 2004). وی علاوه بر تأکید بر نظر فالودی، بیان می‌کند که درک من از برنامه‌ریزی فضایی به تلاش‌های به هم پیوسته‌ی خودآگاهانه برای بازتوسعه‌ی یک شهر، منطقه‌ی شهری و یا منطقه‌ای گسترده و در نتیجه به اولویت‌های سرمایه‌گذاری منطقه، اقدامات حفاظتی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های استراتژیک و اصول مرتبط با مقررات کاربرد زمین است.

در مجموع، می‌توانیم برنامه‌ریزی فضایی را گونه‌ای از برنامه‌ریزی بدانیم که به تنظیم روابط بین انسان و فعالیت‌هایش در پهنه‌ی سرزمین و در مقیاس‌های سلسله‌مراتبی مختلف به‌طور هماهنگ و یکپارچه منجر می‌شود.

ج- ارزیابی تطبیقی

هرچند «تطبیق» در لغت معانی زیادی دارد، در زبان و ادبیات فارسی دارای معانی «برابر ساختن دو چیز با یکدیگر» (معین)، «با هم مطابق کردن»، «دو چیز را با یکدیگر برابر ساختن» (دهخدا)، «مقابله و مقایسه» (واژگان مترادف و متضاد)، «برابر سنج» (فرهنگ سره) و بسیاری معانی مشابه است و در نتیجه، نزد اندیشمندان فارسی زبان بسیار اهمیت دارد. با این حال، واژه‌ی تطبیقی (Comparative) بیشتر به‌عنوان رویکردی عملی، کاربردی، به‌کار بردن برای هدف معین (دیکشنری عربی به فارسی) و اصولاً انجام عمل تطبیق بین دو چیز (مفهوم یا پدیده) مطرح است. ارزیابی تطبیقی در مفهوم «به‌عنوان مطالعه‌ی اثرپذیری و اثرگذاری، به‌معنای بررسی روابط «مفاهیم» یا «پدیده‌ها» بین دو یا چند مکان / فضا و حتی دو یا چند کشور و نحوه‌ی اثرات آن بر یکدیگر (در اینجا، کشورها) است» (ولک، ۱۳۷۳). کنکاش در انواع علوم بین‌رشته‌ای از جمله دانش برنامه‌ریزی فضایی، نشان می‌دهد که مطالعات تطبیقی ممکن است صور گوناگونی داشته باشند و برای مقاصدی چون توصیف، تحلیل، تبیین، نقد و ... پدیده‌ها، به‌کار روند. پاناگیوتیس، استاد دانشگاه آتن که در ارزیابی تطبیقی چارچوب‌های فکری و برنامه‌ریزی فضایی صاحب‌نظر است، در مقاله‌ی معتبر «تطبیق سیستم‌های برنامه‌ریزی فضایی و فرهنگ‌های برنامه‌ریزی در اروپا. نیاز به رویکرد چندگانه»، به‌صراحت گفته است که «روش تطبیقی نباید هنجاری باشد؛ بلکه باید توصیفی، توضیحی، تفسیری و هرمنوتیک باشد» (Panagiotis, 2012).

فضای جغرافیایی و جامعه

امروزه، جغرافیای نوین به عنوان علمی با سرشت نظام‌وار و دامنه‌بین‌رشته‌ای، جوامع انسانی را به مثابه "نظام‌های فضایی" بررسی می‌کند. پیشینه این رویکرد بویژه به سال‌های دهه ۱۹۷۰ میلادی باز می‌گردد؛ دوره‌ای که با حرکت‌هایی همراه گشت که برای دیگر شاخه‌های علوم اجتماعی، هضم کردنی نبود؛ تا جایی که این‌گونه نوآوری‌ها به گفته پری اندرسون (۱۹۹۰)، تاریخ‌دان و جامعه‌شناس مشهور بریتانیایی، برای دیگر دانشمندان علوم اجتماعی "فرهنگی خلاف جهت" به حساب می‌آمد. در واقع، بحث اصلی در جغرافیا از این زمان با این پرسش آغاز می‌شد که چگونه "رابطه بین فضا و جامعه" بایستی مورد کنکاش قرار گرفته، ادراک شود. اندیشمندان "فضایی" برای دامن زدن بدین بحث، با تکیه بر اندیشه‌های دوران‌ساز والتر کریستالر (۱۹۳۳)، عرصه‌ای از مقولات را گشودند که در آن "روابط فضایی" و "روندهای فضایی" بستر ساز پراکنش فضایی بشمار می‌آمد. به عنوان نمونه، چنین بحث می‌شد که بررسی‌های جغرافیای صنعتی را بدون پرداختن به اقتصاد و درک پدیده‌ها از روندهای اجتماعی و سیاسی نمی‌توان تبیین نمود. بسیاری از بنیادهای پارادایم فضایی به نظریه‌هایی باز می‌گردد که "نظریه مکان مرکزی" والتر کریستالر یکی از نخستین آنها است. البته، پیش از او نیز کسانی به اهمیت مباحث فضایی و نحوه استقرار فعالیت‌ها پرداخته بودند، اما بحث در باره نحوه استقرار سلسله مراتبی سکونتگاه‌ها اصالتاً به مطالعات کریستالر باز می‌گردد. در واقع، این شالوده‌ها با نظریه‌ها، مدل‌ها، رویکرد و البته مفاهیمی همراه بوده است که در اینجا برخی از آنها، هرچند به اجمال، معرفی می‌گردند:

جدول ۱- شالوده‌های پارادایم فضایی

نظریه	شرح
نظریه مکان مرکزی ^۲	در نظر کریستالر، با توجه به این پیش فرض‌های مبنایی، محتمل‌ترین شکل سازمان فضایی، شبکه مکان‌های مرکزی خواهد بود؛ شبکه‌ای که متشکل از مراکز و کانون‌های مختلف سکونتگاهی بر مبنای یک سلسله مراتب منظم است. کریستالر سکونتگاه‌هایی را که برای حوزه پیرامونی خود مرکزیت دارند، مکان مرکزی نامید؛ یعنی مراکزی که نه تنها کالاها و خدمات مورد نیاز خود را تامین می‌کنند، بلکه علاوه بر آن، نیازهای مرتبط سکونتگاه‌های کوچکتر پیرامونی را نیز برآورده می‌سازند.
الگوی سکونتگاهی ^۳	الگوی سکونتگاهی یعنی نحوه پراکنش مجموعه‌های جمعیتی در ابعاد و اندازه‌های مختلف. مطالعه انواع پراکنش سکونتگاهی مقوله‌ای بسیار پدیده است که در مقیاس‌های مختلف و با رویکردهای متفاوت به انجام می‌رسد. یکی از رویکردهای اصلی در این زمینه عبارت است از مطالعه نحوه شکل‌پذیری و تکوین الگوهای سکونتگاهی در گذر زمان.
سلسله مراتب سکونتگاهی ^۴	سلسله مراتب سکونتگاهی براساس الگوی استقرار فضایی سکونتگاه‌ها و بر حسب رتبه، سطح و جایگاه عملکردی آنها در سطح ملی یا منطقه‌ای تبیین می‌گردد. به سخن دیگر، در یک عرصه جغرافیایی معین، با توجه به قانونمندی-های خاص محیطی - اکولوژیک و اجتماعی - اقتصادی مؤثر در تعیین روابط و مناسبات فضایی، جایگاه سلسله مراتبی هر یک از سکونتگاه‌ها تعیین می‌شود.

۱. A culture in contraflow

۲. Central Place Theory

۳. Settlement Pattern

۴. Settlement Hierarchy

<p>برخی عقیده دارند، این دو جنبه با یکدیگر ناسازگار هستند، زیرا سلسله مراتب موید پراکنش پلکانی مراکز و الگوی رتبه - اندازه، یک روند مداوم و پویا است. البته باید تأکید نمود، سلسله مراتبی که کریستالر و لوش عرضه می‌داشتند، بر کارکرد مبتنی بود و نه میزان جمعیت، بنابراین این دو با وجود پیوند و ارتباط، مترادف نیستند. کارکردهای مکان مرکزی تنها بخشی از مجموعه کارکردهای عمومی یک سکونتگاه بشمار می‌رود. از سوی دیگر، قاعده رتبه - اندازه با معیاری بسیار کلی‌تر، یعنی با چگونگی جایگاه فضایی - جمعیت سکونتگاه ارتباط نزدیکی دارد. نکته دیگر اینکه بیشتر بررسی‌های مرتبط با سلسله مراتب مکان‌های مرکزی به نواحی کوچک محدود می‌شوند، حال آنکه قاعده رتبه - اندازه براساس نظام‌های بزرگ ملی (کشوری) پیاده شده است.</p>	<p>قاعده رتبه - اندازه^۱ و سلسله مراتب سکونتگاهی</p>
<p>مفهوم مکان‌گزینی و مکانیابی به هم نزدیک است؛ بطور کلی، انتخاب مکانی برای استقرار بطور متعارف را مکان‌گزینی می‌گویند، اگرچه مکان انتخابی ممکن است مناسب‌ترین مکان نبوده. در مقابل، مکانیابی عبارت است از فرایند اندیشیده انتخاب مناسب‌ترین مکان برای استقرارهای جدید، با توجه به شرایط و ویژگی‌های عمومی زمین.</p>	<p>مکان‌گزینی و مکانیابی^۲</p>
<p>مرکز - پیرامون مدلی است برای تبیین نحوه پراکنش فضایی فعالیت‌های انسانی بر مبنای توزیع ناهمگون قدرت به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی. اساس این مدل بر نظریه وابستگی و بویژه نظریات راثول پریش^۴ درباره توسعه نیافتگی کشورهای امریکای لاتین (پریش، ۱۹۶۳-۱۹۶۲)، با تأکید بر ابعاد فضایی رابطه مرکز با پیرامون استوار است. بطور کلی و در مقیاس کلان جهانی، در این مدل کشورهای صنعتی به عنوان مرکز و کشورهای غیرصنعتی به عنوان حاشیه یا پیرامون قلمداد می‌گردند.</p>	<p>مدل مرکز - پیرامون^۳</p>
<p>قطب رشد اساساً عبارت است از مجموعه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی متمرکز در یک کانون که براساس نظریه، قادر است به شیوه‌های نوآورانه، رشد سایر مجموعه‌ها را زمینه‌سازی کند. با توجه به تأکید این رویکرد بر فعالیت صنایع نوین، قطب رشد را مجموعه‌ای پویا و شدیداً هماهنگ از واحدهای صنعتی در اطراف یک بخش پیشاهنگ یا صنعت پیشتاز بشمار آورده‌اند. بر اساس این رویکرد، قطب رشد قادر است موجبات رشد سریع اقتصادی را فراهم کند و از طریق تبعات فزاینده و تسری این رشد، بستر رشد فزاینده سایر بخش‌های اقتصادی را مهیا سازد. شواهد عینی حاکی از آن است که پیروی از رویکرد قطب رشد در برنامه ریزی منطقه‌ای، در اغلب موارد به توسعه نامتعادل منجر شده است.</p>	<p>رویکرد قطب رشد^۵</p>
<p>چارچوب و منظور اصلی در رویکرد توسعه آگروپلیتن، بهره‌گیری از نوعی "مدل" فضایی بود که بررسی‌های مطالعاتی در قالب آن، چنانکه فریدمن (۱۹۷۸) توصیه می‌کرد، قاعده‌تأمی‌بایست بر مبنای ارزیابی‌های کیفی، و در عین حال، بهره‌گیری از فنون کمی استوار می‌بود. توسعه آگروپلیتن مبتنی بر نوعی برنامه ریزی فضایی در مقیاس خرد و میانی است که بر مشارکت و توسعه متوازن تأکید می‌ورزد.</p>	<p>توسعه آگروپلیتن^۶</p>
<p>رویکرد یا راهبرد شبکه منطقه‌ای رویکردی است که رشد و توسعه هماهنگ را از طریق روابط مکمل و پیوندهای سازمان یافته روستایی - شهری در سطح مناطق توصیه می‌کند. این راهبرد که مدل شبکه‌ای یا مدل خوشه‌ای نیز نامیده می‌شود، مبتنی بر پارادایم جدیدی در زمینه توسعه فضایی است. در چارچوب این پارادایم جدید، تحولات منطقه‌ای، در سطوح مختلف، در پیوندهای مکمل کانون‌های مرکزی و عرصه‌های پیرامونی و به عبارتی، در عرصه یکتای روستایی - شهری، تعقیب می‌شوند. به سخن دیگر، راهبرد شبکه منطقه‌ای با تأکید بر محور فقر و نابرابری در عرصه‌های پیرامونی، به دنبال تجهیز و تقویت اقتصادهای محلی در پیوند و همگرایی با توسعه منطقه‌ای و در نهایت، توسعه ملی است.</p>	<p>راهبرد شبکه منطقه‌ای^۷</p>

1. Rank-Size Rule

2. Site Location (Allocation)/Site-Selection

3. Core-periphery Model

4. Raul Prebisch (1901-1986)

5. Growth Pole Approach

6. Agropolitan Development

7. Regional Network Strategy

پیوندهای روستایی - پیوندهای روستایی- شهری حاصل تعامل دوسویه سکونتگاه‌های روستایی و کانون‌های شهری در عرصه منطقه‌ای بوده، از طریق جریان‌های مختلف - از جمله جریان افراد، کالاها، اطلاعات، فناوری، نوآوری و مانند آن - شناسایی می‌شوند. به لحاظ نظری، تحقق این گونه جریان‌ها در بستر دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جاری، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، با تنوع و تقویت اشتغال در محیط‌های روستایی همراه است. از این‌رو، پیوندهای روستایی- شهری در تنظیم و بیان سیاست‌های توسعه با هدف کاهش فقر و حمایت از نقش مثبت مراکز شهری (به‌ویژه شهرهای کوچک و میانی) در توسعه نواحی روستایی پیرامونی مورد تأکید کارشناسان توسعه قرار دارد. این پیوندها، برخلاف روابط سنتی شهر و روستا که بیشتر گویای نوعی روابط سلطه بوده، به واسطه تعامل دوسویه و مجموعه‌ای از جریان‌های مکمل تبیین می‌گردند.

منبع: (سعیدی، ۱۳۹۲).

تاکنون صاحب‌نظرانی چون بری کالینگورث و وینست نادین، استفان گالبریت و آرنولد ویتیک، مؤلفه‌هایی را به‌منظور ارزیابی تطبیقی نظام برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی فضایی پیشنهاد کرده و به کار برده‌اند، که برای ارائه الگوی پیشنهادی تطبیق نظام شهرسازی دو کشور ایران و هندوستان بسیار اهمیت دارد. توجه به این نکته الزامی است که مؤلفه‌های موردنظر صاحب‌نظران در بستر و زمینه‌ی فرهنگی جوامع خودشان تعیین شده‌اند؛ هرچند ماهیت موضوع یکسان است.

الف- بری کالینگورث و وینست نادین^۱

این پژوهشگران در کتاب برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای در بریتانیا، مقایسه‌ای میان نظام‌های برنامه‌ریزی در آمریکا، بریتانیا و برخی کشورهای اروپایی انجام می‌دهند. آنها سه مؤلفه‌ی اصلی زیر را به‌عنوان مؤلفه‌ها / معیارهای کلیدی برای مقایسه‌ی تطبیقی معرفی می‌کنند: چارچوب حقوقی و قانونی که نظام برنامه‌ریزی در آن عمل می‌کند؛ درجه‌ی اختیار سیستم برنامه‌ریزی؛ و اهمیت تاریخ و فرهنگ. کالینگورث و نادین در بررسی نظام برنامه‌ریزی در بریتانیا، چارچوب حقوقی نظام‌های برنامه‌ریزی، شامل قوانین و مقررات برنامه‌ریزی و تحولات آنها را در بستر زمان به‌دقت بررسی می‌کنند. مقصود آنها از تصمیمات گرفته‌شده در نظام برنامه‌ریزی به‌عنوان یک معیار، بیشتر سیاست‌های دولت‌ها در برنامه‌ریزی و برنامه‌ها و طرح‌های توسعه است. معیار سوم آن‌ها برای مقایسه و بررسی نظام‌های برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، سنت‌های برنامه‌ریزی است که بیشتر در روندهای حکومتی تاریخ هر کشور ریشه دارد و نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی در چه سطوحی و توسط چه بخش‌هایی از حکومت انجام می‌شد (Cullingworth & Nadin, 2006).

ب- استفان گالبریت^۲

گالبریت در مقاله‌ای با عنوان «سیستم برنامه‌ریزی تطبیقی» اطلاعات سیستم برنامه‌ریزی کشورهای سه‌گانه‌ی آلمان، سوئیس و ایرلند شمالی را در پنج مؤلفه‌ی سازمان / بدنه‌های اجرایی؛ برنامه‌ریزی توسعه؛ کنترل توسعه؛ سازکار فرجام‌خواهی؛ و اثربخشی (Galbraith, 2007).

ج- آرنولد ویتیک

^۱ . Rural-urban Linkages
^۲ . Cullingworth & Nadin
^۳ . Galbraith

این پژوهشگر در کتاب دایره‌المعارف برنامه‌ریزی شهری، برای معرفی نظام‌های برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای کشورهای مختلف، هر نظام را به سه بخش «مدیریت و قانون‌گذاری»، «برنامه‌های توسعه» و «نظام مدیریت / تشکیلات اجرایی» دسته‌بندی می‌کند. وی هر یک از این بخش‌های سه‌گانه را برای شناسایی طرح‌های توسعه‌ی نظام‌های برنامه‌ریزی به کار برده است (شکل ۱).

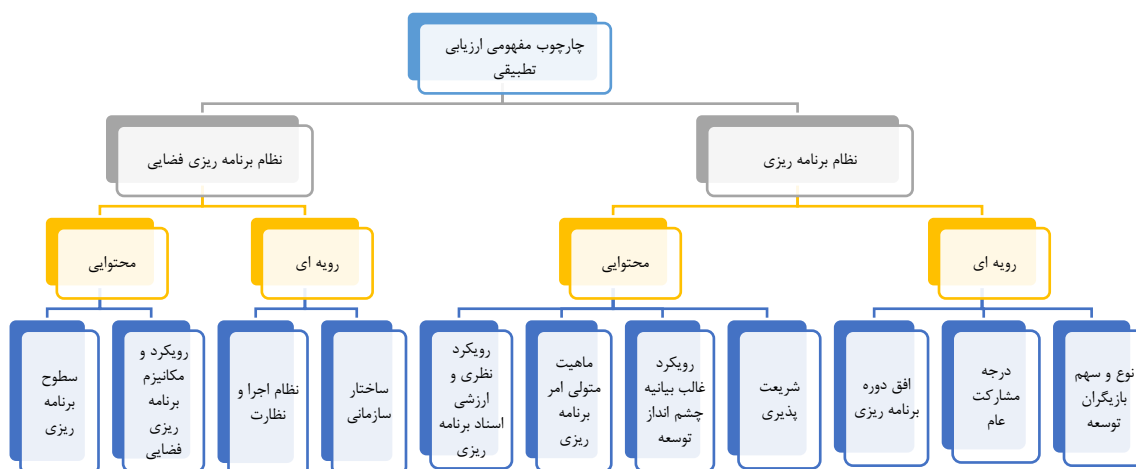


شکل ۱- ارکان نظام شهرسازی [برنامه‌ریزی] از دیدگاه آرنولد ویتیک

منبع: زرین‌پناه، ۱۳۸۹.

رویکرد پیشنهادی ارزیابی تطبیقی نظام برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی فضایی

باتوجه به نتایج مستخرج از پژوهش‌های مرتبط با ارزیابی تطبیقی نظام برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی فضایی در حوزه‌ی برنامه‌ریزی و دانش‌های وابسته، به‌ویژه برنامه‌ریزی فضایی، تطبیق و مطالعات تطبیقی را می‌توان به روش‌ها و زمینه‌های موضوعی کاربردی در تحلیل تطبیقی تصویر کرد که عمدتاً ماهیتی قیاسی دارند. در این مقاله، باتوجه به موضوع موردبررسی، مؤلفه‌های ارزیابی تطبیقی نظام برنامه‌ریزی و نظام برنامه‌ریزی فضایی متناسب با ویژگی‌ها، شرایط و زمینه‌های فرهنگی و اسنادی متناظر کشورهای هدف تدوین شده‌اند.



شکل ۲- مؤلفه‌های ارزیابی تطبیقی نظام برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی فضایی کشورهای هدف

منبع: نگارنده

نظام برنامه‌ریزی

هفت مؤلفه برای ارزیابی تطبیقی نظام برنامه‌ریزی کشورهای هدف در دو بعد «محتوایی» و «روند کاری» به شرح زیر تدوین و بررسی شده‌اند:

- الف- ابعاد محتوایی:** منظور مؤلفه‌هایی هستند که وجه غالبشان بعد محتوایی / جوهری و ماهیتی دارد و عبارتند از: رویکرد نظری و ارزشی اسناد برنامه‌ریزی، رویکرد غالب بیانیه چشم‌انداز توسعه، ماهیت متولی امر برنامه‌ریزی، شریعت‌پذیری.
- ب- ابعاد رویه‌ای:** منظور مؤلفه‌هایی هستند که وجه غالبشان بعد رویه‌ای / روند کاری دارد و عبارتند از: افق و دوره‌ی برنامه‌ریزی، درجه‌ی مشارکت عام، نوع و سهم بازیگران توسعه (میرغلامی و همکاران، ۱۳۹۸).

نظام برنامه‌ریزی فضایی

چهار مؤلفه برای ارزیابی تطبیقی نظام برنامه‌ریزی فضایی کشورهای هدف در دو بعد محتوایی و روند کاری به شرح زیر تدوین و بررسی شده‌اند:

- الف- ابعاد محتوایی:** منظور مؤلفه‌هایی هستند که وجه غالبشان بعد محتوایی / جوهری و ماهیتی دارند و عبارتند از: رویکرد و مکانیزم برنامه‌ریزی فضایی، سطوح برنامه‌ریزی فضایی.
- ب- ابعاد رویه‌ای:** منظور مؤلفه‌هایی هستند که وجه غالبشان از بعد روند کاری پشتیبانی می‌کند و عبارتند از: ساختار سازمانی، نظام اجرا و نظارت (میرغلامی و همکاران، ۱۳۹۸).

پیشینه پژوهش

برنامه‌ریزی موضوع جذابی برای مطالعات تطبیقی است. وظیفه‌ی مطالعات تطبیقی جست‌وجو و بررسی نظام‌مند تفاوت‌ها و تشابه‌ها است. در موضوع ویژه‌ی برنامه‌ریزی، هدف از مطالعات تطبیقی این است که برنامه‌ریزان یک کشور کارهای دیگر کشورها را به طور نادرست تفسیر نکنند؛ به این صورت که متوجه این موضوع نشوند که چه میزان از این تفاوت‌ها از مفروضات سیاسی، اجتماعی و نهادی پشت اعمال برنامه‌ریزانه برآمده است و صرفاً به تقلید شکلی روش‌ها و فرآیندهای برنامه‌ریزی در کشورهای پیشروتر اکتفا کنند (Mccallum, 1975).

در علوم برنامه‌ریزی و به‌ویژه علم برنامه‌ریزی فضایی / مکانی، تطبیق و ارزیابی تطبیقی به هر صورت که تعریف شده باشد، ترتیبیاتی از قیاس، تحلیل محتوای گزاره‌های توسعه و برنامه‌ریزی (مفاهیم) و سرزمین‌ها و مکان‌ها (پدیده‌ها) را به‌دنبال دارد.

پاناگیوتیس^۱ (۲۰۱۲) و کالینگورث و وینست (۲۰۰۶) در کتابشان، به این موضوع اشاره کرده‌اند و علاوه بر قوانین، ساختارها و نهادها، فرهنگ برنامه‌ریزی را به‌عنوان مؤلفه‌ای بنیادین در برنامه‌ریزی فضایی تطبیقی بین‌المللی تصریح نموده‌اند. مطالعات متعددی در زمینه تطبیق نظام‌های برنامه‌ریزی کشورهای مختلف صورت گرفته است از جمله می‌توان به پژوهش میرغلامی و همکاران (۱۳۹۸) با عنوان «ارزیابی تطبیقی نظام برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی فضایی ایران با مصر، عربستان، ترکیه و مالزی» اشاره نمود. در این پژوهش ابتدا مؤلفه‌های تجربه‌شده بین‌المللی در دانش ارزیابی تطبیقی شناسایی و سپس براساس شرایط ایران و چهار کشور دیگر مؤلفه‌های هفت‌گانه و چهارگانه در ابعاد «محتوایی» و «رویه‌ای»

^۱ . Panagiotis

برای مفاهیم «برنامه‌ریزی» و «برنامه‌ریزی فضایی» تدوین و قیاس تطبیقی برای وضعیت پنج کشور انجام شد. براساس یافته‌ها، در حوزه نظری (اسنادی-محتوایی)، نظام برنامه‌ریزی کلان اغلب کشورهای موردبررسی مشابه هم و نیز هم‌سو با کشورهای پیشرفته‌تر صنعتی با شدت و ضعف‌های مختصر است؛ اما در حوزه‌ی عمل (رویه-نتیجه)، تفاوت-های موجود بسیار محسوس هستند. این وضعیت در برنامه‌ریزی فضایی این کشورها ضعیف‌تر از برنامه‌ریزی کلان آن‌ها است. در برنامه‌ریزی فضایی در سطوح شهری و فراشهری، برای برنامه‌ریزی و مدیریت فضایی بهینه، اکثراً هدف توسعه‌ی پایدار را در درجاتی متفاوت دنبال می‌کنند و آن را راهی برای پاسخگویی به چالش‌های خود قرار داده‌اند؛ اما به دلایلی نظیر ویژگی‌های حکومتی، نبود اراده‌ی عملی و فقدان ارزیابی، نظارت و پایش مستمر و فراهم نبودن بسترهای فرهنگی در دستیابی به اهداف، دارای شدت و ضعف مشهودی هستند. فرحانی و لاری (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی شهرسازی ایران و کشورهای خاورمیانه با تأکید بر دوران معاصر» به این نتیجه دست یافتند که معماری مدرن در این کشورها به معنای واقعی خود ظهور نکرده است ولی در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ تأثیرات مخرب خود را بر معماری و شهرسازی آن کشورها وارد ساخته است و با توجه به گرایش منطقه‌گرایی در این کشورها در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی مباحث جهانی شدن با توجه به تفکرات پست‌مدرنیستی طلوع می‌کند و آنچه این کشورها در بازگشت به سنت و بوم رعایت کرده‌اند چیزی جز پوسته‌ای بر روی ساختار مدرنیسم نیست و شاید علت این امر تفکر نادرست و برداشت غلط از پست‌مدرنیستی است که در غرب ظهور کرده و جایگاهی در معماری اسلامی کشورهای عربی ندارد. بررسی‌های گذشته در سرزمین‌های اسلامی، شهر اسلامی را شهری متفاوت نشان داده است. حسینی و قدمی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر تغییر در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران با استفاده از نظریه مبنایی» نشان می‌دهد مانع نگرشی دانشی بزرگترین مانع پیشروی نظام برنامه‌ریزی شهری در ایران می‌باشد و این باعث می‌شود که با توجه به مهم بودن این شاخص در صورت رفع موانع مربوط به این شاخص باید ابتدا نگرش و دانش که دو مقوله‌ی مهم و محافظه‌کارانه در برابر مقاومت می‌باشد را تقویت کرد، چنانچه به این دو مقوله توجه شود و شکاف میان این دو از بین رود مسلماً مسیر دست یابی به شرایط ایده‌ال در زمینه‌ی سایر شاخص‌ها نیز برای دستیابی به رویکرد استراتژیک تسهیل خواهد شد. تقی‌زاده (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مقایسه‌ای سازوکارهای تغییرات کاربری زمین شهری، موردکاوی: انگلستان، ایالات متحده آمریکا، هندوستان، ترکیه و ایران» نشان داد که در هر یک از اصول مرتبط با مدیریت تغییرات کاربری زمین شکاف میان سازوکارهای تغییرات کاربری زمین میان ایران و کشورهای مورد مطالعه به ویژه در زمینه رعایت قوانین محیط زیستی، مشارکت همگانی و دستیابی به هم‌رایی میان کنشگران ذی‌نفع وجود دارد. الباس‌زاده مقدم (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی و امکان‌سنجی جایگزینی الگوی برنامه‌ریزی ساختاری - راهبردی با الگوی برنامه‌ریزی جامع شهری در ایران: مطالعه‌ای تطبیقی - مقایسه‌ای» نشان می‌دهد که اولاً الگوی برنامه‌ریزی جامع با توجه به نقص‌های اساسی که هم در مبانی نظری و هم در عرصه عمل توسعه شهری دارد فاقد کارایی و کفایت لازم برای هدایت تحولات توسعه شهری است و دوماً رویکرد راهبردی بر اساس انعطاف‌پذیری، مبانی مشارکتی و آینده‌نگری، توان و ظرفیت لازم برای برنامه‌ریزی مطلوب و بهینه توسعه شهری در کشور را داراست.

بررسی وضعیت و تجارب کشورهای هدف

در این بخش، ویژگی‌ها و تجارب کشورهای ایران و هندوستان بررسی می‌شود.

کشور ایران

تجارب کشور ایران به عنوان نمونه مورد مطالعه برای قیاس با هدف زمینه‌سازی برای اصلاح ساختار نظام برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی فضایی بررسی می‌شود و در نهایت، این تجربه با کشور هندوستان به طور تطبیقی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این بخش، تجارب ایران در دو زمینه نظام برنامه‌ریزی و نظام برنامه‌ریزی فضایی ارزیابی می‌شود.

الف) شناخت پایه

شناخت پایه‌ی ایران در قالب شناخت ویژگی‌های عمومی کشور به دست می‌آید. ویژگی‌های عمومی شامل وضعیت عمومی و جغرافیایی، اقتصاد و تقسیمات کشوری است.

جدول ۲- شناخت پایه‌ی کشور ایران

زمینه	ویژگی‌ها	
	شاخص	توصیف
وضعیت عمومی و جغرافیایی	موقعیت	ایران از شمال با جمهوری آذربایجان، ارمنستان و ترکمنستان، از شرق با افغانستان و پاکستان و از غرب با ترکیه و عراق همسایه است. همچنین، از شمال به دریای خزر یا دریای کاسپین و از جنوب به خلیج فارس و دریای عمان محدود می‌شود.
	جمعیت	ایران کشوری در جنوب غربی آسیا و در منطقه‌ی خاورمیانه با ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع وسعت (هجدهم در جهان) است و برپایه‌ی سرشماری سال ۱۳۹۵، جمعیتی حدود ۷۹۹۲۶۲۷۰ تن دارد.
شناخت پایه	آب و هوا	آب‌وهوای ایران متأثر از وجود سه سامانه‌ی پرفشار سیبریایی، سامانه‌ی باران‌زای مدیترانه-ای و سیستم کم‌فشار جنوبی است که کویر و گرما در نواحی مرکزی و شرقی، نوار گرم و مرطوب ساحل جنوب، معتدل مرطوب شمال و سرد و کوهستانی غرب و شمال غرب، اقلیم‌های غالب در ایران را به وجود آورده است.
	اساس و بنیان اقتصاد	کشاورزی، صنایع، منابع و معادن (نفت و گاز) و گردشگری
اقتصاد	نقش بخش خصوصی	در اصل ۴۴ قانون اساسی، تصریح شده است که نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران برپایه‌ی سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی، با برنامه‌ریزی منظم و صحیح، استوار است. در عمل این بخش ضعیف است.
	اشتغال	در کشور، مسئله اشتغال (به‌ویژه اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی) از وضعیت چندان مطلوبی برخوردار نیست و نرخ بیکاری از ۹ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۱۲/۱ درصد در سال ۱۳۹۷ رسیده است. در این میان، بالاترین نرخ بیکاری به نیروی جوان اختصاص دارد؛ به طوری که درصد بیکاری در بین جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله حدود ۲۹/۶ درصد است که رقم خیلی بالایی است. در مجموع، ۳۰ درصد کل جمعیت شاغل هستند.
تقسیمات کشوری		ساختار تقسیمات کشوری در ایران به صورت زیر است: <ul style="list-style-type: none"> • کشور- وزیر کشور • استان- استاندار • شهرستان - فرماندار و فرماندار ویژه

- طبقه‌بندی
- بخش - بخشدار
- سلسله مراتب
- دهستان- دهدار، شهر- شهردار، روستا- دهیار
- سکونتگاهی

مأخذ: (میرغلامی و همکاران، ۱۳۹۸).

ب) شناخت ویژه

۱- شناخت نظام برنامه‌ریزی

به طور کلی در طول دو دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، نظام برنامه‌ریزی کشور بر اساس نقش محوری دولت مرکزی و دخالت و نظارت مستقیم وزارت مسکن و شهرسازی کشور شکل گرفت و الگوی طرح‌های جامع، تفصیلی و هادی به‌عنوان ابزار هدایت و نظارت توسعه و عمران شهری در دستور کار برنامه‌ریزان شهری کشور قرار گرفت (رضایی، ۱۳۷۹). ولیکن، برنامه‌ریزی در ایران انسجام لازم را نداشته و در عمل از موفقیت‌چندانی برخوردار نبوده است. نظام برنامه‌ریزی در ایران بسیار شکننده است و این شکنندگی ناشی از دو دسته عوامل برون‌زا و درون‌زا به شرح ذیل است:

جدول ۳- کاستی‌های نظام برنامه‌ریزی توسعه در ایران

عوامل برون‌زا	عوامل درون‌زا
- وابستگی شدید برنامه ریزی توسعه به اقتصاد تک- محصولی (نفت)	- عدم استراتژی توسعه واحد و گام به گام در برنامه‌ریزی توسعه
- نقش اقتصاد سیاسی در برنامه‌ریزی توسعه	- نبود دیدگاه واحد حاکم بر برنامه‌ریزی توسعه ایران
- تأثیرات ژئوپلیتیک منطقه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه (امنیت منطقه‌ای)	- نبود فرآیند منسجم برنامه‌ریزی توسعه
	- نبود تفکر برنامه‌ریزی منطقه‌ای
	- بخشی و متمرکز بودن نظام برنامه‌ریزی توسعه
	- نبود بانک اطلاعات جامع و قابل اعتماد
	- شکاف بین برنامه‌ریزی با تحقیق و توسعه
	- خلاء ارزیابی سنجش پیامدهای پیشنهادی برنامه‌ریزی
	- توسعه بر زندگی افراد و گروه‌های جامعه
	- وجود قوانین موازی و وجود سازمان‌های هم عرض و غیر عملیاتی بودن نظام بودجه‌ریزی کشور
	- فقدان رویکردهای مشارکتی در فرآیند برنامه‌ریزی توسعه
	- خلاء وجود احزاب و تشکل‌های سیاسی کارآمد، اثرگذار و رقابتی

مأخذ: رضازاده و همکاران، ۱۳۹۹.

یکپارچه‌سازی سرمایه‌های توسعه در فضای منطقه، کلید موفقیت برای برنامه‌ریزی است (صرافی، ۱۳۹۰). در خصوص مدیریت شهری امروزه شهرها با نبود مدیریت یکپارچه مواجهند. چشم‌اندازسازی شهری یکی از مهمترین امر در توسعه آینده‌ی شهری است. این امر در کشورهای درحال توسعه نادیده گرفته می‌شود. هر چند شهرها چشم‌اندازسازی می‌شوند اما در کشورهای درحال توسعه تصمیمات را عده‌ای قلیل برای اکثریت اتخاذ می‌نمایند که این گروه تعیین‌کننده‌ی آینده‌ی

شهرها هستند. شهرداری فقط اجرا کننده دستورات نهادهای بالادست است در حالی که باید شهرداری به عنوان مهمترین نهاد عمومی در رأس قرار گیرد و تمام نهادها در مدیریت شهری از آن خط و مشی بگیرند (رضازاده، ۱۳۹۶). طی دهه‌های اخیر تغییراتی در اولویت‌ها و طرح اهدافی جدید برای برنامه‌ریزی توسعه کشور صورت گرفته است که با کمترین تغییرات در فرآیند برنامه‌ریزی‌ها همراه بوده است. نظریه حاکم در برنامه‌ریزی کلان همچنان مبتنی بر اراده‌گرایی فن‌سالارانه توأم با مماشات سیاستمدارانه سنت‌های دیوان‌سالاری بوده است. نظریه‌ای که بر مدار تولید برنامه یا دیدگاه‌های بخشی استوار بوده است و از اهمیت روند و افزودن دیدگاه‌های فضایی غافل مانده است (صرافی، ۱۳۷۷). بعد از انقلاب اسلامی و به دنبال بحران مشروعیت در سیستم شهر و به تبع آن بحران اختیار و اقتدار و بحران مالی در نظام شهری ایران از یک سو و نفی الگوهای غربی در همه شئون اجتماعی و سیاسی کشور، الگوهای شهرسازی قبل از انقلاب نیز مورد سوء ظن قرار گرفته و نفی شدند.

بنابراین از عوامل دیگر تحقق‌ناپذیری طرح‌ها و برنامه‌ها، ضعف قانونی نظام برنامه‌ریزی است. با کنار گذاشتن تمام تجارب در این زمینه خلل‌های متعددی ایجاد شده است.

الگوی جاری برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه در ایران، به نخستین برنامه توسعه ملی در سال ۱۳۲۷ باز می‌گردد. در حال حاضر خصیصه اصلی ساختار تشکیلاتی نظام مدیریتی کشور تمرکزگرایی حاکم بر این سیستم و برنامه‌ریزی و مدیریت در قالب سازمان‌های مختلف و تفکیک سازمان‌های ذیربط به صورت بخشی و براساس موضوع برنامه‌ریزی است. آنچه که در طی چند دهه شاهد آن بوده‌ایم، تضعیف هرچه بیشتر نظارت‌های محلی و تقویت نقش دولت مرکزی در اداره شهرها بوده است (رضازاده، ۱۳۹۶). ساختار حکومت‌های محلی در ایران بر طبق قوانین مدل شورا مدیر - شهر می‌باشد. در این نوع حکومت محلی مردم محل افرادی را به نام شورا برای تدوین احکام و مقررات محلی و نظارت بر امور انتخاب می‌کنند که این شورا علاوه بر اجرای وظایف مقننه (شورای شهر)، انتخاب شخصی واجد شرایط را برای امور اجرایی حکومت محلی بر عهده دارد. این شکل حکومت محلی به شورا اختیار کامل می‌دهد تا هر فردی را هر چند که ساکن آن محل نباشد به مدیریت شهر برگزیند که این فرد را مدیر شهر می‌گویند. مدیر شهر مسئول اجرای مصوبه‌های شورا بوده و هرگاه که نسبت به عملکردش نارضایتی به وجود آید از کار برکنار می‌گردد (رضویان و همکاران، ۱۳۹۲).

مهمترین برنامه‌های توسعه در نظام برنامه‌ریزی کشور ایران در سطح ملی، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و برنامه‌های پنج‌ساله‌ی توسعه‌ی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که تصمیم‌سازی مدون و مداوم در این کشور را نشان می‌دهد. سازمان برنامه و بودجه به عنوان نهادی فرابخشی، با رویکرد برنامه‌ریزانه و با محوریت اقتصادی، مسئولیت کار برنامه‌ریزی را بر عهده دارد و امور برنامه‌ریزی و هماهنگی نسبی برنامه‌های بخشی وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، نهادها و ... کشور در دست آن است. در چشم‌انداز این کشور نگاهی چندبعدی به توسعه وجود دارد و رویکرد غالب ایدئولوژیک، اقتصادی و دانشی دنبال می‌شود. برنامه‌ریزی از نظر مقیاس در سطوح مختلفی انجام می‌گیرد که عبارتند از: برنامه‌ریزی ملی، برنامه‌ریزی منطقه‌ای و برنامه‌ریزی محلی» (میرغلامی و همکاران، ۱۳۹۸). جدول ۸ وضعیت موجود نظام برنامه‌ریزی از سطوح ملی تا محلی را نشان می‌دهد.

جدول ۴- وضعیت موجود نظام برنامه‌ریزی از سطوح ملی تا محلی

سطح مدیریت	تقسیمات سیاسی	عنوان طرح‌های توسعه	محدوده فضایی طرح	چگونگی مدیریت فضایی
				شهری و منطقه‌ای

سطح ملی	کشور - حکومت مرکزی	طرح جامع سرزمین طرح کالبدی ملی	کل کشور	از طریق رئیس جمهور، هیئت دولت، وزارتخانه‌ها و شورای عالی استان‌ها
سطح منطقه‌ای	استان	طرح‌های کالبدی - منطقه‌ای آمایش استان	یک یا چند استان یک استان	از طریق استانداری، شورای برنامه‌ریزی و توسعه‌ی استان، سازمان‌های دولتی، شورای اسلامی استان
	شهرستان	طرح توسعه و عمران جامع ناحیه‌ای	یک یا چند شهرستان	از طریق فرمانداری، کمیته برنامه‌ریزی شهرستان، سازمان‌های دولتی، شورای اسلامی شهرستان
سطح خرد	بخش	-	-	از طریق بخشداری‌ها، اداره‌های دولتی و شورای اسلامی بخش
	دهستان	طرح ساماندهی فضا و سکونتگاه‌های روستایی	یک یا چند دهستان	از طریق بخشداری و دهداری و سازمان‌های دولتی و شورای اسلامی دهستان
سطح محلی	شهر	طرح مجموعه شهری طرح توسعه و عمران شهر و حوزه‌ی نفوذ آن	شهرهای بزرگ و شهرهای اطراف آن‌ها شهر	از طریق فرمانداری و شهرداری و شورای اسلامی شهر
	روستا	طرح‌های هادی روستایی	روستا	از طریق دهیاری‌ها و شورای اسلامی روستا

مأخذ: میرغلامی و همکاران، ۱۳۹۸.

۲- شناخت نظام برنامه‌ریزی فضایی

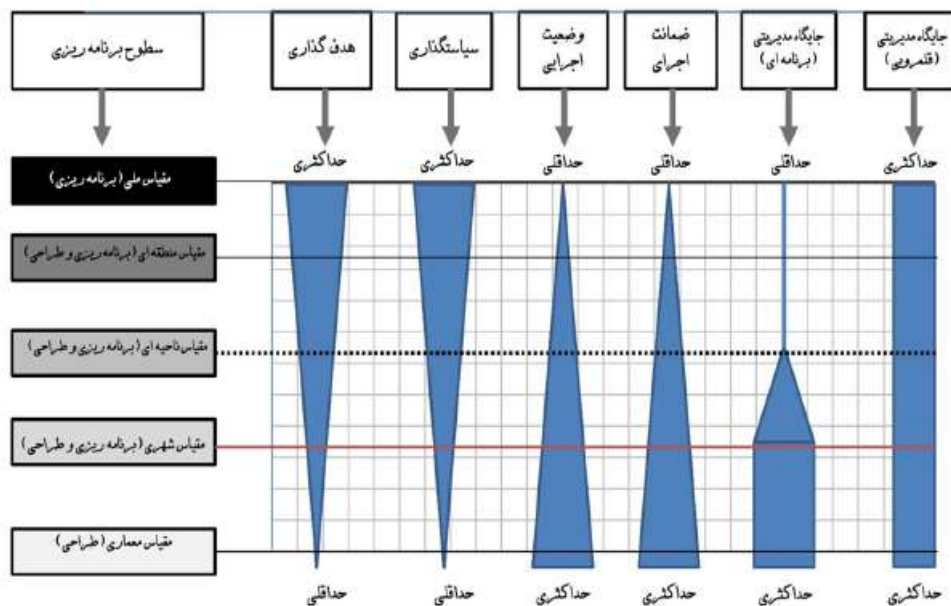
در حال حاضر، مبانی نظری تهیه‌ی طرح‌های شهری در ایران، بر الگوی پوزیتیویستی، یعنی شناخت، تحلیل و طرح، متکی است. این الگو با اینکه مدت‌ها الگو و روش تهیه‌ی طرح‌های شهری در کشورهای مختلف جهان بود، به تدریج جای خود را به الگوی برنامه‌ریزی شده‌ی تحلیل - طرح - سیاست‌گذاری می‌دهد که به معنی رسیدن به اهداف و سرانجام، ارزیابی و سیاست‌گذاری برای اجرا است. طرح‌های جامع در ایران با هدف زمینه‌سازی رشد کالبدی موزون شهرها تدوین می‌شوند؛ اما عملاً با اینکه انرژی و هزینه‌های بسیاری را بر اقتصاد شهری تحمیل می‌کنند، معمولاً بخش عمده‌ای از اهداف آنها هرگز محقق نمی‌شود. از دلایل اصلی شکل‌گیری روند حاضر بی‌توجهی به روش‌ها و نگرش‌های جدید و کاربرد نداشتن آنها در حوزه‌ی برنامه‌ریزی شهری، نظیر راهبرد توسعه‌ی شهری است (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰). برنامه‌های موجود در ایران در قالب تهیه‌ی طرح‌های جامع و تفصیلی مطرح هستند؛ چون بیشتر کالبدی، ایستا و سنتی هستند و در تدوین آنها ابعاد اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی در نظر گرفته نشده است.

مهمترین و رسمی‌ترین مرجع تعریف طرح‌های توسعه‌ی فضایی و انواع آن در ایران، آیین‌نامه‌ی (نحوه‌ی بررسی و تصویب طرح‌های توسعه و عمران محلی، ناحیه‌ای، منطقه‌ای و ملی و مقررات شهرسازی و معماری کشور) مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران است که در سال ۱۳۷۸ و به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب

شد. هرچند ممکن است که آیین‌نامه‌ی مذکور دربرگیرندگی کامل و جامع را در تعریف همه‌ی انواع طرح‌های توسعه‌ی فضایی نداشته باشد، در نظام اداری و اجرایی کشور ایران کماکان مهمترین مرجع مورد استفاده و قانونی است. در این آیین‌نامه، انواع طرح‌های توسعه در قالب ۱۳ طرح زیر تعریف شده است:

- طرح جامع سرزمین؛
- طرح‌های کالبدی ملی و منطقه‌ای؛
- طرح توسعه و عمران (جامع) ناحیه‌ای؛
- طرح مجموعه‌ی شهری؛
- طرح ساماندهی فضا و سکونتگاه‌های روستایی؛
- طرح جامع شهر؛
- طرح هادی شهر؛
- طرح تفصیلی؛
- طرح هادی روستا؛
- طرح‌های ویژه؛
- طرح شهرهای جدید؛
- طرح شهرک‌های مسکونی؛
- طرح سایر شهرک‌ها.

شکل ۱۴ جایگاه سطوح سلسله‌مراتبی برنامه‌ریزی فضایی - شهری و وضعیت آنها در شرایط ایران را نشان می‌دهد. گفتنی است که با توجه به روال‌های موجود، این تعداد در زمان حاضر به حدود ۲۰ گونه / عنوان برنامه / طرح توسعه می‌رسد که الزام جدی بازنگری در آیین‌نامه، نحوه‌ی بررسی و تصویب طرح‌های توسعه و عمران را مطرح می‌کند (میرغلامی و همکاران، ۱۳۹۸).



شکل ۳- جایگاه سطوح سلسله‌مراتبی برنامه‌ریزی فضایی - شهری و وضعیت آنها در شرایط ایران

مأخذ: میرغلامی و همکاران، ۱۳۹۸.

کشور هندوستان

الف) شناخت پایه

شناخت پایه‌ی هندوستان در قالب شناخت ویژگی‌های عمومی کشور به دست می‌آید. ویژگی‌های عمومی شامل وضعیت عمومی و جغرافیایی، اقتصاد و تقسیمات کشوری است.

جدول ۵- شناخت پایه‌ی کشور هندوستان

زمینه	ویژگی‌ها		توصیف
	معیار	شاخص	
شناخت پایه	وضعیت عمومی و جغرافیایی	موقعیت	ایران از شمال با جمهوری آذربایجان، ارمنستان و ترکمنستان، از شرق با افغانستان و پاکستان و از غرب با ترکیه و عراق همسایه است. همچنین، از شمال به دریای خزر یا دریای کاسپین و از جنوب به خلیج فارس و دریای عمان محدود می‌شود.
		جمعیت	ایران کشوری در جنوب آسیا و در منطقه‌ی شبه قاره هند با ۳,۲۸۷,۴۶۹ کیلومتر مربع وسعت (هفتم در جهان) است و برپایه‌ی سرشماری سال ۲۰۱۱، جمعیتی حدود ۱۲۱۰۱۹۳۴۲۲ تن دارد (Biswas, 2016).
		آب و هوا	شبه قاره هندوستان به ۴ منطقه جغرافیایی تقسیم می‌شود (وارثی و تقی‌زاده، ۱۳۹۳): - کوه‌های هیمالیا؛ - دشت‌های شمالی رود گنگ و شاخه‌های آن؛ - فلات جنوبی (دکن) که حدود آن با تپه‌ها و کوه‌های کم ارتفاع (گات شرقی و غربی) مشخص می‌شود؛ - منطقه بیابانی شمال غربی (بیابان تاتار).
		اقتصاد	کشاورزی: ۱۶.۱ درصد صنعت: ۲۹.۵ درصد خدمات: ۵۴.۴ درصد (تخمین، ۲۰۱۵).
		شاخص‌های اقتصادی	تولید ناخالص داخلی: ۲۰۶۹/۹ میلیارد دلار (بانک جهانی، ۲۰۱۴). سرانه تولید ناخالص داخلی: ۱۵۹۶ دلار آمریکا (بانک جهانی، ۲۰۱۴). نرخ رشد تولید ناخالص داخلی: ۷/۲ درصد (دولت هند، ۲۰۱۴) (Biswas, 2016).
		تقسیمات کشوری	ساختار تقسیمات کشوری در هندوستان به صورت زیر است: • دولت اتحادیه • دولت‌های ایالتی • دولت‌های محلی (شهری و روستایی) (Annez, 2011).

مأخذ: نویسنده

ب) شناخت ویژه

۱- شناخت نظام برنامه‌ریزی

رویکرد توسعه گرایانه جامعه هندی از سرعت پایین، همه جانبه و متوازن برخوردار است. در چنین رویکردی این جامعه به دنبال ارتقای سطح کیفیت زندگی بطن جامعه از منظر فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است؛ ضمن اینکه سایر ابعاد توسعه پایدار، همچون توسعه سیاسی، محیط زیستی و حتی نظامی نیز نادیده گرفته نمی شوند. رویکردهای توسعه در هند به دنبال کاستن از قشر بسیار فقیر جامعه و تبدیل آن به قشری متوسط اما در مقیاس بالاست (عرفانی، ۱۳۹۴).

به دلیل فدراتیو بودن هندوستان، برنامه‌های میان مدت (۵ ساله) توسعه اقتصادی و اجتماعی ملی در نهایت به برنامه‌های ایالتی تبدیل می‌شوند. آخرین برنامه هندوستان برنامه ۵ ساله دوازدهم ۲۰۱۳ می‌باشد (رضازاده و همکاران، ۱۳۹۹). این طرح چشم‌انداز و اهداف استراتژیک ملی و پروژه‌هایی را برای طیف وسیعی از حوزه‌ها از جمله اقتصاد، مدیریت مالی، امور مالی و بانکی، اشتغال، آموزش، امنیت اجتماعی، محیط زیست، صنعت، کشاورزی، حمل و نقل، توسعه شهری و انرژی بیان می‌کند (Biswas, 2016).

وضعیت برنامه‌ریزی و روند اجرای برنامه‌ها، نظام‌وار و قدم به قدم بوده است. هدف‌گذاری در سطح کلان، انجام تغییرات و اصلاحات در امور پول ملی، نرخ ارز، مالیات‌ها و حتی ایجاد زمینه مشارکت بیشتر برای بخش خصوصی همه بسیار منظم و تدریجی بوده است. این‌گونه برنامه‌ریزی و اجرا به سادگی تمایز جدی سیاست‌های اصلاحی دولت هندوستان را با بسیار از دیگر دولت‌ها نشان می‌دهد. مشارکت معنی‌دار بخش خصوصی، فراهم شدن زمینه کارکرد طبیعی اهرم‌ها بازار (با انضمام دولت منضبط)، هدایت اطلاعاتی، نظارتی و لجستیکی دولت نسبت به بخش خصوصی، وجود قوانین شفاف و کافی (به ویژه در مورد مالکیت‌ها و قراردادها) از دیگر عوامل موفقیت این برنامه بوده است. وجود آرامش و امنیت در جامعه هند و کم بودن ریسک و عدم اطمینان نیز می‌تواند دلیل دیگر برای کارآمد نسبی برنامه تحولات اقتصاد هندوستان باشد. اثر مثبت فقدان ریسک بر سرمایه‌گذار و وجود امنیت کافی در این کشور در مطالعات زیاد مورد تأکید واقع شده است (افشاری، ۱۳۹۵).

جدول ۶- وضعیت موجود نظام برنامه‌ریزی از سطوح ملی تا محلی

سطح مدیریت	تقسیمات	عنوان طرح‌های توسعه شهری و منطقه‌ای	محدوده	چگونگی مدیریت فضایی
	سیاسی		فضایی طرح	
		طرح‌های منطقه‌ای بین ایالتی		
		سیاست‌های ملی برنامه‌ریزی و تعیین بودجه‌های ایالتی		وزارت توسعه و عمران، سازمان برنامه‌ریزی شهری و روستایی و مرکز برنامه‌ریزی
سطح فدرال یا مرکزی	کشور - دولت مرکزی	ایجاد هماهنگی میان ایالات در جهت اهداف ملی	کل کشور	
		تدوین و تکمیل الگوی برنامه‌ریزی و مقررات توسعه و عمران		

تدوین راهبردها و سیاست های برنامه ریزی			
تهیه طرح های منطقه ای در سطح ناحیه ای			
همکاری با دولت مرکزی جهت تهیه طرح			
اداره کل برنامه ریزی شهری و	یک ناحیه	های میان منطقه ای	ناحیه
روستایی، سازمان برنامه ریزی			
شهری و روستایی و شورای		نظارت بر نحوه مصرف بودجه دریافتی از	سطح ایالتی
برنامه ریزی		دولت مرکزی	
	یک زیرناحیه	تهیه طرح های منطقه ای	زیرناحیه
	-	-	بخش
	مناطق	تهیه طرح های راهبردی و ساختاری	
	کلانشهری		
شهرداری ها و شوراهای شهر	در مقیاس شهر	تهیه طرح های ساختاری	شهر
(در مناطقی که این گونه نهادها		تهیه طرح های کاربری زمین	سطح محلی
وجود ندارند وظیفه تهیه طرح ها		طرح های اجرایی	
و صدور اجازه توسعه و عمران			
به عهده شورای برنامه ریزی	در نواحی	صدور اجازه توسعه و عمران و تامین	روستا
دست توسعه است).	دست توسعه	حفاظت	

مأخذ: رضازاده و همکاران، ۱۳۹۹.

۲- شناخت نظام برنامه ریزی فضایی

در کشور هندوستان طرح های فضایی ملی و منطقه ای تاکنون جای ویژه ای نداشته است. طرح های کالبدی فضایی محدود به طرح های محلی، یعنی مناطق متروپولی، جامع و تفصیلی شهرها است (توفیق، ۱۳۸۶). همچنین، در سطح ملی برنامه سرزمینی وجود ندارد و تنها طرح های منطقه ای بین ایالتی را انجام می دهد (Biswas, 2016). دولت مرکزی نمونه قانون برنامه ریزی و توسعه شهری و منطقه ای را تهیه می نماید. سیاست های ملی نیز از طریق کمیسیون برنامه ریزی (سازمان برنامه هند)، وزارت توسعه شهری و سازمان مرکزی طرح ریزی شهری و روستایی مشخص می شود. برنامه های سطح ایالت معمولاً به صورت سیاست های ایالتی یا منطقه ای و راهبردها است. این سیاست ها، برنامه ها و راهبردها از طریق وزارت برنامه ریزی شهری ایالت تهیه می شود. محصول کار رهنمودهایی چند و احياناً برنامه های راهبردی است (توفیق، ۱۳۸۶).

در ارتباط با شهرستان و مناطق متروپولی، برنامه ریزی از نوع راهبردی است و متصدی تهیه آن وزارت طرح ریزی شهری ایالت و مقامات شهرسازی منطقه متروپولی است.

در سطح مناطق شهری (تلوکا)، حسب مورد وزارت طرح ریزی شهری ایالات و یا سازمان شهرسازی منطقه متروپولی اقدام به تهیه استراتژی های فضایی و یا برنامه های ساختاری کلی، می کنند. برنامه های کاربری زمین برای نواحی گوناگون شهرهای متروپولی از طریق سازمان شهرسازی منطقه متروپولی و یا حکومت های محلی (شهرداری ها) تهیه می شوند. این برنامه ها به صورت گزارش، مقررات ساخت و ساز و نقشه ها است. تهیه برنامه های تفصیلی کاربری اراضی شهری در سطح محلات نیز بر عهده شهرداری ها است (توفیق، ۱۳۸۶).

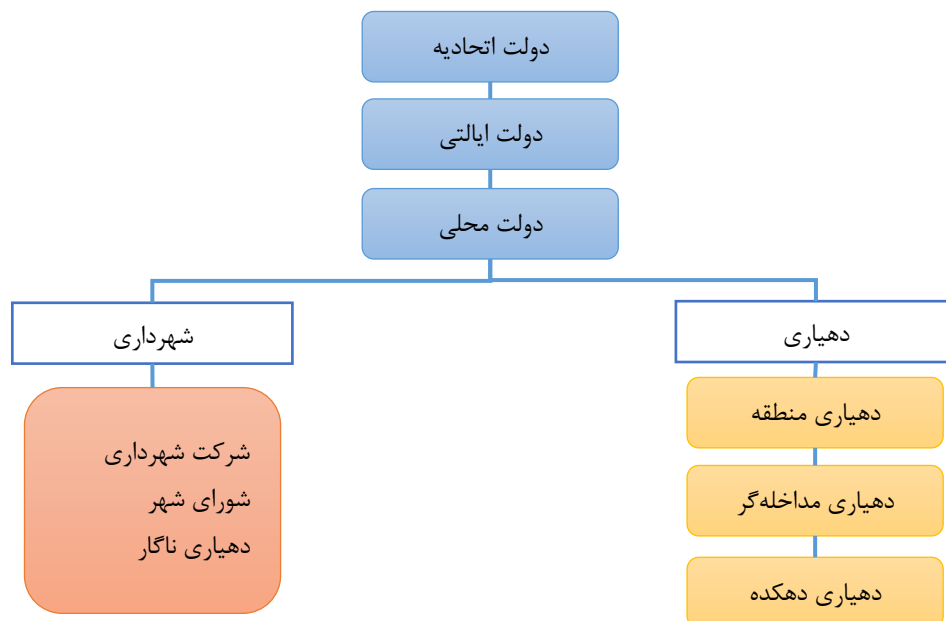
در هندوستان نظام یکپارچه اطلاعات شهری و منطقه‌ای (UIRS) با مشارکت یازده سازمان (دفتر سرشماری، سازمان برنامه‌ریزی شهری و روستایی، سازمان ملی بررسی‌های نمونه‌ای، سازمان نقشه‌برداری هندوستان، دپارتمان برنامه‌ریزی شهری ایالت، سازمان عمران شهری، مرکز آمار، سازمان ملی اطلس و نقشه‌های موضوعی، سازمان ملی سنجش از دور، دپارتمان مالیات ایالت و حکومت محلی خودگردان) جهت فراهم آوردن زیرساخت‌های لازم برای برنامه‌ریزی فضایی در همه سطوح و ایجاد ارتباط میان آن‌ها تشکیل شده است (توفیق، ۱۳۸۶).

در این کشور سطوح مختلف مدیریت و برنامه‌ریزی به شرح ذیل وجود دارد (تقی‌زاده، ۱۳۹۵):

۱- سطح فدرال یا مرکزی: در سطح حکومت مرکزی «سازمان برنامه‌ریزی شهری و روستایی» یک نقش مشورتی بر عهده دارد که سیاست‌ها و طرح‌های اجرایی را مقیاس ملی و در چهارچوب طرح‌های توسعه اقتصادی پنج ساله تعیین می‌کند. دولت مرکزی به منظور پر کردن شکاف میان طرح‌های ایالتی و ایجاد هماهنگی بیشتر در نظام ملی برنامه‌ریزی، مسئولیت تهیه طرح‌های منطقه‌ای بین ایالتی را به عهده گرفته است.

۲- سطح ایالتی: هر ایالت دارای سازمان برنامه‌ریزی شهری مستقل و قوانین شهرسازی خاص خود می‌باشد. معمولاً سازمان برنامه‌ریزی شهری دارای یک اداره مرکزی در مرکز ایالت است و شعباتی در نواحی مختلف دارد. هر ناحیه (Area) شامل تعدادی زیرناحیه (District) است که بخش یا (Division) نامیده می‌شود. برنامه‌ریزان بخش مسئول برنامه‌ریزی و توسعه، هم برای شهرها و هم برای روستاها در حوزه خود هستند.

۳- سطح محلی: مدیریت برنامه‌ریزی هند در سطح محلی نیز دارای سازمان جداگانه‌ای است. در کلانشهرها مثل بمبئی، کلکته، دهلی و مدرس نهادهای محلی برنامه‌ریزی نقش مهمی در برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های توسعه و عمران بر عهده دارند. آن‌ها همچنین موظف هستند که با همکاری حکومت مرکزی و دولت ایالتی، طرح‌های جامع را برای نواحی مختلف منطقه کلانشهری تهیه کنند و بر روند توسعه و عمران نظارت داشته باشند. در سایر شهرهای بزرگ هم تقریباً به همین صورت عمل می‌شود (رضازاده و همکاران، ۱۳۹۹).



شکل ۴- سلسله مراتب اداری طبق قانون اساسی هند

بحث

همسان‌سازی ویژگی‌های نظام برنامه‌ریزی با هدف تسهیل قیاس

باتوجه به اینکه در ادبیات تطبیقی، نظام برنامه‌ریزی در کشورهای هندوستان و ایران، تحت عناوین شناخت پایه و شناخت ویژه، سنجش و تحلیل شده‌اند، در این بخش منطبق با مؤلفه‌های تعیین شده در مبانی نظری مقاله در مفهوم نظام برنامه‌ریزی در دو بعد محتوایی و رویه‌ای، هفت مؤلفه را در نظام برنامه‌ریزی کشورها به‌طور همسان می‌سنجیم تا در گام آخر، ملاک ارزیابی تطبیقی نهایی قرار گیرند. در ادامه، برای تسهیل قیاس، می‌کوشیم وضعیت هریک از کشورها را که دارای اسناد، ادبیات و ویژگی‌های مختلف از نظر زمانی، نهاد تهیه کننده، رویکردهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... باوجود همگنی ساختاری و ارزشی هستند، یکسان کنیم (جدول ۷).

جدول ۷- ویژگی‌های همسان‌شده نظام برنامه‌ریزی ایران با کشور هندوستان

زمینه	مؤلفه	ایران	هندوستان
تسهیل قیاس	رویکرد نظری و ارزشی اسناد برنامه‌ریزی	برنامه‌ریزی با محوریت اقتصادی (مقاومتی) و تأکید بر توسعهی درون‌زا در حین تعامل با پیرامون	مطالعات همه‌جانبه و برنامه‌ریزی سیستماتیک
	افق و دوره برنامه‌ریزی	بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت	بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت
تسهیل قیاس	ماهیت متولی امر برنامه‌ریزی	سازمانی با ماهیت و غلبه‌ی نسبی رویکرد برنامه‌ریزی بخشی و اقتصادی	سازمانی با ماهیت و رویکرد اقتصادی
	رویکرد غالب بیانیه‌ی چشم-انداز توسعه	نگاه چندبعدی، ایدئولوژیک، اقتصادی و دانشی	توسعه‌گرایانه با سرعت پایین، همه‌جانبه و متوازن
تسهیل قیاس	درجه مشارکت عام	کم	متوسط
	نوع و سهم بازیگران توسعه	بخش خصوصی با سهم متوسط، بخش دولتی با سهم زیاد و بخش عمومی با سهم کم	بخش خصوصی با سهم زیاد، بخش دولتی با سهم زیاد و بخش عمومی با سهم متوسط
تسهیل قیاس	شریعت- پذیرى	گفتمان قوی اجرا	قوی قوی

همسان‌سازی ویژگی‌های نظام برنامه‌ریزی فضایی با هدف تسهیل قیاس

در این بخش نیز همچون بخش نظام برنامه‌ریزی منطبق با مؤلفه‌های تعیین شده در مبانی نظری مقاله، برای مفهوم نظام برنامه‌ریزی فضایی در دو بعد محتوایی و رویه‌ای، چهار مؤلفه را در نظام برنامه‌ریزی فضایی ایران و هندوستان به‌طور همسان می‌سنجیم تا در گام آخر، ملاک ارزیابی تطبیقی نهایی شوند.

جدول ۸- ویژگی‌های همسان‌شده‌ی نظام برنامه‌ریزی فضایی ایران با کشور هندوستان

زمینه	مؤلفه	ایران	هندوستان
تسهیل قیاس	سطوح برنامه‌ریزی	ملی، منطقه‌ای، استانی و محلی	سطح فدرال یا مرکزی، ایالتی، محلی
	رویکرد و مکانیزم برنامه‌ریزی فضایی	برنامه‌ریزی جامع با گرایش به ساختاری - راهبردی و مشارکت محدود	برنامه‌ریزی جامع با گرایش راهبردی و مشارکت نسبتاً فراگیر

نظام اجرا و نظارت	وضعیت اجرایی متوسط و نظارت ضعیف	کنترل جدی کاربری زمین، ضوابط توسعه و عمران، ضوابط ساخت و ساز
ساختار سازمانی	سلسله مراتبی بالا به پایین، واگرایی میان سازمان‌ها و نهادهای برنامه‌ریزی	سلسله مراتبی ابتدا بالا به پایین و سپس پایین به بالا

نتیجه‌گیری

در گام پایانی مبتنی بر مطالعات اکتشافی صورت گرفته، مؤلفه‌های ارزیابی تطبیقی را در چارچوب نظری مقاله و ویژگی‌های سنجیده شده‌ی نظامات برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی فضایی کشورهای ایران و هندوستان، تعیین کردیم. همچنین، وضعیت ایران را با کشور هندوستان در مفاهیم دوگانه‌ی برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی فضایی، به تفکیک ابعاد محتوایی و رویه‌ای در مؤلفه‌های هفتگانه‌ی نظام برنامه‌ریزی و نظام برنامه‌ریزی فضایی هندوستان به‌طور تطبیقی قیاس کردیم.

در مقایسه نظام برنامه‌ریزی کشور ایران با هندوستان نتایج نشان داد که رویکرد نظری و ارزشی اسناد برنامه‌ریزی کشور هندوستان همه‌جانبه و با دنیا در ارتباط است اما در کشور ایران مبتنی بر اقتصاد مقاومتی و توسعه درون‌زا است. رویکرد غالب بیانیه‌ی چشم‌انداز توسعه در ایران چندبعدی و با غلبه‌ی ایدئولوژیک است اما در کشور هندوستان رویکرد توسعه‌گرایانه با سرعت پایین، همه‌جانبه و متوازن است و این تا حدودی با رویکرد چندجانبه و ایدئولوژیک در کشور ما هم‌سو است. ماهیت متولی امر برنامه‌ریزی در هر دو کشور اقتصادی است. در زمینه شریعت‌پذیری، کشور هندوستان هم در گفتمان و هم در اجرا عملکرد قوی داشته است اما در ایران در زمینه گفتمان نسبتاً قوی ولیکن در اجرا ضعیف بوده است. افق و دوره‌ی برنامه‌ریزی در هر دو کشور دارای مدت معین است. درجه مشارکت عام در کشور هندوستان نسبتاً فراگیر ولی در ایران محدود است. نوع و سهم بازیگران توسعه در کشور هندوستان نسبت به ایران از وضعیت بهتری برخوردار است و بخش خصوصی و مشارکت عمومی در حد قابل توجهی در برنامه‌ریزی‌ها و اجرای آن‌ها سهم هستند.

در قیاس تطبیقی نظام برنامه‌ریزی فضایی دو کشور هندوستان و ایران باید گفت که رویکرد و مکانیزم برنامه‌ریزی فضایی در کشور هندوستان پیش‌روتر است و به سمت مشارکت فراگیر در حرکت است اما در ایران این حرکت به کندی صورت می‌گیرد. برنامه‌ریزی در هر دو کشور در مقیاس‌های متعدد انجام می‌شود. نظام اجرا و نظارت کشور هندوستان از سیستم کنترل و نظارت جدی بر کاربری زمین برخوردار است و در زمینه ضوابط توسعه و عمران و ساخت و ساز دارای قوانین محکمی است اما در کشور ایران وضعیت اجرایی برنامه‌ها در حد متوسط و نظارت به خوبی انجام نمی‌شود. فرآیند برنامه‌ریزی در کشور هندوستان ابتدا از بالا به پایین و سپس از پایین به بالا صورت می‌گیرد اما در ایران فرآیند برنامه‌ریزی بالا به پایین است که در این زمینه نیز هندوستان از کشور ایران پیش‌روتر است.

در نهایت می‌توان چنین استنباط نمود که نظام برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی فضایی کشور هندوستان در بسیاری از موارد از کشور ایران پیش‌روتر است و متولیان امر برنامه‌ریزان باید نکات برجسته‌ی طرح و برنامه‌های کشور هندوستان و نحوه اجرایی شدن آنها را مورد توجه قرار دهد.

منابع

- افشاری، کیانوش. (۱۳۹۵). بررسی رویکردهای توسعه پایدار بر مبنای توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی (مطالعه موردی کشور هند). پژوهش ملل، ۱(۶)، ۳۵-۴۵.
- الیاس زاده مقدم، نصرالدین. (۱۳۹۰). بررسی و امکان سنجی جایگزینی الگوی برنامه ریزی ساختاری - راهبردی با الگوی برنامه ریزی جامع شهری در ایران: مطالعه ای تطبیقی - مقایسه ای. آرمان شهر، ۶(۶)، ۳۵-۴۸.
- آوستن ولک، وارت. (۱۳۷۳). نظریه ادبیات. (ضیاء موحد، و پرویز مهاجر، مترجمون) تهران: علمی و فرهنگی.
- تقی زاده، محمد (۱۳۹۵). بررسی مقایسه ای سازوکارهای تغییرات کاربری زمین شهری، موردکاوی: انگلستان، ایالات متحده آمریکا، هندوستان، ترکیه و ایران. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۷(۱۷)، ۳۱۷-۳۲۸.
- توفیق، فیروز. (۱۳۸۶). برنامه ریزی در ایران و چشم انداز آینده ی آن. تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
- حسین زاده دلیر، کریم؛ صدر موسوی، میرستار؛ حیدری چپانه، رحیم؛ رضاطبع، سیده خدیجه. (۱۳۹۰). درآمدی بر رویکرد جدید استراتژی توسعه شهری (CDS) در فرایند برنامه ریزی شهری با تاکید بر چالش های فراروی طرح های جامع در ایران. فضای جغرافیایی، ۳۶(۳)، ۱۷۳-۲۱۰.
- حسینی سیاه گلی، مهناز؛ قدمی، مصطفی. (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر بر تغییر در نظام برنامه ریزی شهری ایران با استفاده از نظریه مبنایی. فصلنامه جغرافیایی سرزمین، ۱۳(۵۱)، ۳۱-۵۰.
- رضازاده، سیدمحمد. (۱۳۹۶). بایستگی دگرگونی در برنامه ریزی توسعه شهری در ایران. جستارهای شهرسازی، ۲(۴)، ۴۲-۶۷.
- رضازاده، سیدمحمد؛ خسروی، محمدتقی؛ دولت یاری، عباس. (۱۳۹۹). بررسی نظام برنامه ریزی توسعه شهری (موردپژوهی: مقایسه تطبیقی کشور ایران با هندوستان). هفتمین کنفرانس بین المللی نوآوری و تحقیق در علوم مهندسی (الصفحات ۱-۱۵). تغلیس: آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان.
- رضایی، رحیم. (۱۳۷۹). ارزیابی جغرافیایی طرح جامع شهر مرند. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم زمین.
- رضویان، محمدتقی؛ محمدی، کاوه؛ ابوبکری، طاهر. (۱۳۹۲). فضاها ی فرسوده شهری، برنامه ریزی بهسازی و نوسازی. مشهد: دانشگاه امام رضا (ع).
- زرین پناه، نریمان. (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی نظام شهرسازی ایران و انگلستان؛ با تأکید بر تحولات اخیر در فرآیند تهیه طرح های توسعه شهری. تهران: دانشگاه هنر.
- سعیدی؛ عباس. (۱۳۹۲). مفاهیم بنیادین در برنامه ریزی کالبدی - فضایی (بخش دوم). فصلنامه برنامه ریزی کالبدی - فضایی، ۱(۳)، ۱۲-۲۳.
- صرافی، مظفر. (۱۳۷۷). ضرورت دگرگونی در نظریه برنامه ریزی توسعه ایران. همایش پنجاه سال برنامه ریزی در ایران، (الصفحات ۱-۱۵).
- صرافی، مظفر. (۱۳۹۰). دوره آمایش و توسعه فضایی (مجموعه پاورپوینت های آموزشی). تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم زمین.
- صفوی، سیدحمزه. (۱۳۹۴). ترکیه: مجموعه کشورهای اسلامی. انتشارات مؤسسه آینده پژوهی جهان اسلام و جهاد دانشگاهی.
- عرفانی، گوران. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی رویکردهای توسعه گرایانه هند و چین. فصلنامه هنر و تمدن شرق، ۷(۷)، ۴۳-۵۰.
- فرحانی صدر، ناجی؛ لاری بقال، سیدکیانوش. (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی شهرسازی ایران و کشورهای خاورمیانه با تأکید بر دوران معاصر. ششمین کنفرانس ملی پژوهش های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری (الصفحات ۱-۱۸). تهران: دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی.
- میرغلامی، مرتضی؛ پورجعفر، محمدرضا؛ میثاقی، سیدمحمود. (۱۳۹۸). ارزیابی تطبیقی نظام برنامه ریزی و برنامه ریزی فضایی ایران با مصر، عربستان، ترکیه و مالزی. برنامه ریزی و آمایش فضا، ۲۳(۳)، ۱-۴۱.
- وارثی، حمیدرضا؛ تقی زاده، الهام. (۱۳۹۳). تحلیل و ارزیابی تغییر و تحولات شهرنشینی در کشورهای جهان سوم مطالعه موردی: کشور هندوستان. فصلنامه مطالعات شبه قاره، ۶(۱۸)، ۱۱۷-۱۳۸.
- Annez, P.C. (2011). Why urban land use management needs to change in India's cities, Resources. Energy and Development, 1, 49-58.

- Biswas, A. (11 March, 2016). *General Affairs Division, Policy Planning office, NRPB. An Overview of Spatial Policy in Asian and European Countries*: https://www.mlit.go.jp/kokudokeikaku/international/spw/general/india/index_e.html
- Cullingworth, J B., Nadin, V. (2006). *Town and country planning in the UK*. London: Routledge.
- Galbraith, S. (2007). Comparative planning systems. *Research and library service*, 1-10.
- Healey, P. (2004). The treatment of space and place in the new strategic spatial planning in Europe. *International Journal of Urban and Regional Research*, 28(1), 45-67.
- Mccallum, D. (1975). Comparative study in planning. *Town planning review*, 46 (2), 157-164.
- Panagiotis. G., (2012). Comparing spatial planning systems and planning cultures in Europe. The need for a multi-scalar approach. *Planning practice and research*, 27(1), 25-40.
- Local Government in India. (2007). *Council of Local Authorities for International Relations*. Japan: MLIT.